

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2020S4D15SH1M11 ISSN-P: 2538-3701

جایگاه کرامت در اندیشه اسلامی و باز تاب آن در تدوین قانون اساسی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

صدری مردانی^۱

کارشناس ارشد حقوق عمومی

چکیده

انسان این موجود مرکب از جسم و روح از سوی خالق خویش بر دیگر مخلوقات برتری داده شده است. با توجه به آیات الهی این کرامت و برتری در دو وجه قابل تفکیک است. کرامت اولیه و فطری، که در آیه شریفه ۷۰ سوره اسری، انسان تکریم گشته و بر دیگر موجودات برتری داده شده است. و کرامت ثانویه که در آیه ۱۳ سوره حجرات با معیار تقوا تبیین گشته است. کرامت اولیه که به سبب وجود عقل و بهره مندی از مواهب آن می باشد سبب تفضیل بنی آدم بر سایر موجودات است. اما کرامت عالی و ارزشی سبب تفضیل حقوق با پشتوانه حقایق عینی در عالم تکوین است. در این نگاره برآنیم تا با بررسی مفهوم کرامت بر اساس آموزه های قرآنی نقش آن را در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بررسی نماییم.

واژگان کلیدی: کرامت اولیه، کرامت اکتسابی و ثانویه، خلیفه الهی، تفضیل یا تبعیض

در بهره مندی از حقوق، قانون اساسی

¹ s.mardani92@yahoo.com



بخش اول: آیا انسان موجودی کریم است؟

آیا انسان ذاتا موجودی کریم است؟ آیا با توجه به آیه ۷۰ سوره اسری خداوند، کرامت را جزء ذات انسان قرار داده است؟ خداوند انسان را در احسن تقویم آفریده است: لقد خلقنا الانسان في احسن التقويم (۴، سوره تین) و برای این موجود ویژگی های بارزی قرار داده است. از نگاه قرآن، انسان موجودی است که برای هدف متعالی خلق شده و خالق نظام هستی، ربوبیت و هدایت او را بر عهده گرفته است (جوادى آملی، ۹۰، ص ۲۸۳) قلنا اهبطونها جميعا فاما ياتينكم مني هدى فمن تبع هداي فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون (۳۸، سوره بقره) و خداوند در مسیر ربوبیت و هدایت خویش خلافت را در زمین به او اعطا نموده است. واذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه (۳۰، سوره بقره) موجودی با این رسالت و این مقام - خليفه اللهی - دارای ویژگی های است که براساس آن در موقعیتی برتر قرار گرفته و مسجود ملائکه واقع شده است. یکی از این ویژگی ها فضیلت انسان بر دیگر موجودات است: ولقد کرما بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر و رزقناهم من الطيبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضيلا (۷۰، سوره اسری) فلذا این حق مسلم انسانی است که صاحب ارزشی ترین حیات در نظام طبیعت باشد این حق جز در سایه استفاده از علم و عمل صالح که یکی محصول عقل نظری و دیگری ثمره عقل عملی است تحصیل نمی شود: من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مومن فلنجينه حيوه طيبه و لنجزينهم اجرهم باحسن ما كانوا يعملون (۹۶، سوره نحل) (جوادى آملی، ۹۰، ص) سوال مهمی که در اینجا مطرح می شود این است که علی رغم ویژگی های منحصر به فردی که در قرآن برای انسان بر شمرده شده است آیاتی انسان را در خسران و ضرر دایمی می داند: ان الانسان لفی خسر (۱، سوره عصر) و پا فراتر از آن گذاشته شده و نه تنها وی را خاسر می داند بلکه مقام آدمی را از انعام نیز پایین تر دانسته است: ولقد ذرانا لجهنم کثیرا من الجن و الانس لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم اعین لا یبصرون بها و لهم آذان لا یسمعون بها اولیک کا الانعام بل هم اضل اولیک هم الغافلون (۱۷۹، اعراف)



پاسخ به پارادوکس مقام انسانیت و انعامیت را در یک موجود می توان در آیات قرآنی جستجو نمود. کرامت انسان طبق دلایل عقلی و نقلی پذیرفته شده بر اساس ویژگی خلافت الهی وی است. یعنی چون انسان خلیفه خدای کریم است، از کرامت بهره مند است و خلیفه کسی است که قانون مستخلف عنه را به رسمیت بشناسد و آن را اجرا نماید: (جوادی آملی، ۹۰، ص ۲۸۷) حال اگر انسان که روحی است الهی در جسم مادی (گرامی، ۸۴، ص ۶۵) و اذ قال ربك للملائكة اني خالق بشرا من صلصال من حما مسنون فاذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين (۲۸ و ۲۹، سوره حجر) بر اثر صیانت مقام والای روح مجرد، توانست در مقام خلافت الهی باقی بماند جایگاهی فراتر از کوه و آسمان دارد و اشرف مخلوقات است اما اگر از انسانیت خویش صیانت نمود به مقام کالانعام بل هم اضل خواهد رسید. (جوادی آملی، ۹۰، ص) طبق آیات الهی انسان مسئول و مکلف آفریده شده است: ولا تقف ما ليس لك به علم ان السمع والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه مسؤولا (۳۶، سوره اسری) و نمی تواند با شانه خالی کردن از بار مسئولیت و عدم پذیرش تعالیم دینی مقام انسانی خود را حفظ نماید و همچنان در مقام خلافت الهی باقی بماند. حتی با نادیده انگاشتن قانون مستخلف عنه نه تنها از مقام انسانی خود تنزل می کند؛ بلکه وی دشمن خلیفه الهی خواهد شد: و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا شياطين الانس والجن... (۱۱۲، سوره انعام)

بخش دوم: مفهوم کرامت و انواع آن

برای شناخت کرامت انسانی نخست باید معنای کرامت را بدانیم. با نظر به مجموع موارد استعمال این لفظ، می توانیم بگوییم معنای مشترک میان همه آن موارد، عبارت است از: پاک بودن از آلودگی ها و داشتن عزت و شرف و کمال مخصوص به آن موجود که کرامت به او نسبت داده می شود. (جعفری، ۹۰، ص ۲۲۲) خداوند محدوده عالم طبیعت و اعتباریات آن را در برابر کرامت دانسته و از آن به دنیا تعبیر می نماید. چون دناوت در برابر کرامت و دانی در مقابل کریم است. (جوادی آملی، ۶۹، ص ۱۱) در دین اسلام، دو نوع کرامت برای انسان ها ثابت شده است که عبارتند از:



۱ - کرامت اولیه و حیثیت طبیعی که همه انسان ها، مادامی که با اختیار خود - به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشان و بر دیگران - آن کرامت را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند.

۲ - کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعداد ها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می گردد. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسانی مربوط به همین کرامت است (جعفری، ۹۰، ص ۲۲۲) و (هاشمی، ۸۴، ص ۱۰۱)

پیش از شرح این دو نوع از کرامت لازم است ابعاد وجودی انسان را بشناسیم تا بتوانیم این کرامات را بر ابعاد وجودی وی تطبیق دهیم.

هویت حقیقی انسان دارای ابعاد و لایه های سه گانه است و توجه به انسان بدون لحاظ همه این ابعاد نقص در شخصیت وی به شمار می آید (جوادی آملی، ۹۰، ص ۸۹) این ابعاد عبارتند از:

۱ - بعد حیوانی

قرآن از لایه خود حیوانی انسان که در شهوت و غضب و برخی از آرزوها و امیال نفسانی خلاصه می شود، این گونه تعبیر می کند: و الذین كفروا یتمتعون و یأكلون کما تأکل الأنعام (۱۲، سوره محمد) و در آیه ای دیگر خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: کفار را به حالشان رها کن تا به خوردن پردازند و آرزوها سرگرمشان کند: ذرهم یأکلوا و یتمتعوا و یلههم الأمل فسوف یعلمون (۳، سوره حجر) (جوادی آملی، ۹۰، ص)

۲ - بعد انسانی

بعد دیگری که از خود حیوانی برتر است، خود انسانی نامیده می شود، انسان در این مرتبه گذشته از مرحله حیوانی صاحب مقام تفکر و تعقل و عزم و اراده است، بخشی از آیات قرآن به این جنبه و لایه وجودی انسان اشاره دارد: و من آیاته یریکم البرق خوفا و طمعا و ینزل من السماء ماء فیحیی به الارض بعد موتها ان فی ذلک لآیات لقوم یعقلون (۲۴، سوره روم)، قد

فصلنا الايات لقوم يفتقون (۹۷، سوره انعام). آیات قرار دادن فؤاد برای انسان و اینکه وی صاحب دل آفریده شده و با روح مستوی الخلقه ای که از الهام فجور و تقوا برخوردار است، همگی از بعد انسانی و فرا حیوانی نوع انسان خبر می دهد. (جوادی آملی، ۹۰، ص)

۳- بعد الهی

لایه سوم که برترین وجود خود انسان است، خود خود خود است که در حقیقت متعلق خودش هم نیست، بلکه برای صاحب اصلی و خالق اوست و انسان متعارف نسبت به آن امانت دار الهی است. به این بعد از ابعاد وجودی انسان در آیه ۳۶ سوره اسراء اشاره شده که، خداوند از حساب رسی و مورد سؤال بودن گوش، چشم و دل خبر می دهد. در میان مخلوقات خداوند هیچ یک از موجودات با این لایه پوشش داده نشده و تنها انسان به این زیور مزین گردیده است. بنابراین، اگر انسان با همین اجزای تشکیل دهنده وجودی خویش، یعنی چشم و گوش و دل مورد بازخواست قرار می گیرد، معلوم می شود که ورای این اجزای ظاهری و باطنی، خود دیگری در باطن باطن وجود دارد، زیرا هویت اصلی انسان متعارف را فؤاد، قلب و دل او تشکیل می دهد. اگر از انسان سؤال شود که دل را چه کرده ای و آن را در چه راه به کار گرفتی؟ چرا ایمان و کفر و نفاق آن را رهبری نمودی و ...؟ معلوم می شود در نمان نمان انسان و در قلب او موجود شریف دیگری است که رهبری قلب او در اختیار همان ودیعه مستور الهی است و این همان خود الهی و لایه برین انسان ناشناخته است. (جوادی آملی، ۹۰، ص) اکنون با توجه به ابعاد وجودی انسان، باید دانست کرامت مورد نظر قرآن بر کدام بعد انسانی منطبق است:

تکریم اولیه ای که در انسان به ودیعه نهاده شده و در آیه ۷۰ سوره اسری مورد تصریح قرار گرفته ناظر به عقل بشری است که به هیچ موجود دیگری داده نشده و انسان بوسیله آن خیر را از شر و نافع را از مضر تشخیص می دهد. موهبت های دیگری از قبیل برتری بر سایر موجودات و استخدام و تسخیر آنها برای رسیدن به اهداف، نطق و خط و امثال آن نیز زمانی محقق می شود که عقل باشد. علاوه بر تکریم مذکور در پایان آیه تفضیل انسان بر سایر



موجودات به این است که آنچه را به آنها داده انسان از سهم بیشتری برخوردار است. پس آیه ناظر به کمال انسان از حیث وجود مادی و بعد انسانی است. (طباطبایی، ج، ص ۲۱۷) اگر انسان از عقل ودیعه نهاده شده بهره مند گردد و تدبیر و تفکر در جایگاه مستخلف عنه خود داشته باشد این کرامت اولیه را ارتقاء داده و به کرامت ثانویه و اکتسابی صعود می نماید. این کرامت مربوط به بعد الهی انسان است. و اگر آن کرامتی را که به صورت بالقوه در وی وجود داشت اصلاً به مرحله فعلیت نرساند و از تکریم و تفضیل مطرح شده در آیه بهره مند نشد مراتب ضلالت و بهیمیت را طی می نماید. در حقیقت همه نیروها و استعدادها مثبت که خداوند به انسان ها عنایت نموده مقتضی ارزش و کرامت و حیثیت است اما اکثر اولاد آدم با داشتن همه نیرو ها، استعدادها و امتیازات از مراعات حقوق الهی و انسانی سرباز می زنند و منحرف می گردند و از سوی خداوند ظلوم و جهول و هلوع و ضعیف خوانده می شوند (جعفری، ۹۰، ص ۲۲۶) فلذا این شرف و کرامت را نباید ذاتی بنامیم بلکه بالقوه است و اگر در جهت هوا پرستی و خودکامگی و اهداف پلید مورد بهره برداری قرار گیرد چون مغل به حیات و کرامت و آزادی خود و دیگران است؛ کرامت بالقوه نه تنها به بالفعلیت نمیرسد بلکه تضييع نیز می شود. با توجه به اینکه ارزش هر انسانی به میزان عمل و کیفیت او بستگی دارد، قرآن برای ارتقای کرامت بالقوه به بالفعل و تبدیل کرامت اولیه به کرامت ارزشی معیار تقوا را اساس قرار میدهد:

يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر او انثى و جعلناكم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اكرمكم عندالله اتقاكم ان الله عليم خبير (۱۳، سوره حجرات) بر اساس آیات الهی هیچ گونه تفاوتی جز تقوی نمی تواند معیار تبعیض و نابرابری تلقی گردد؛ اما آیا کرامت که سبب تفضیل و تفاوت در بهره مندی از ارزش های انسانی است باعث تفاوت در بهره مندی حقوق افراد در جامعه انسانی و عامل تبعیض در برابر قانون می شود و یا نابرابری و تمایز بر اساس تقوا معیاری در تقسیم وظایف و وسیله ای برای نیل به اهداف عالی انسانی است؟ (عمید زنجانی، ۸۷، ص ۴۱۸)

بخش سوم: کرامت حق است یا حکم

پیش از پاسخ به سوال قبل لازم است بدانیم کرامت حق است یا حکم؟ اگر امری صرفاً جنبه قانونی داشته یا در حد وظیفه باشد و به اشیاء بر گردد حکم نامیده می شود اما اگر امری از اختیارات به شمار آید و به انسان بر گردد حق نام دارد. فرق حکم و حق این است که در مورد حق، بشر اختیار دارد که آن را استیفا کند یا نکند و موظف به انجام این کار نیست بر خلاف حکم که بشر باید آن را رعایت نماید (جوادی آملی، ۸۹، ص ۷۵) این حق و حکم به یکدیگر بازگشت داشته و رابطه ای متقابل دارند. بازگشت حقوق به احکام به این معناست که گرچه انسان دارای حق کرامت و حق آزادی است، اما همین آزادی و کرامت او از ناچاری است یعنی انسان محکوم به آزادی و کرامت است و نمی تواند آن را از خود سلب کند. از این رو همه حقوقی که به آزادی، کرامت و حقوق بشر مربوطند به احکام الهی نسبت به انسان باز می گرداند. اما بازگشت احکام به حقوق به این معناست که خداوند بر حسب آنکه بشر را به کمال برساند، احکامی را بر او واجب کرده است. پس روح این احکام، همان حق کمال یابی انسان است، فلذا آن گونه که انسان نمی تواند آن حقوق را از خود سلب کند این احکام را نیز نمی تواند کنار گذارد اصولاً ریشه احکام، همان مصالح انسان است و به این ترتیب روح احکام را حقوق الهی و بشری تشکیل می دهد. این احکام دارای پشتوانه ای پایدار و ثابتند و چون از ثبات برخوردارند به صورت حقوق تجلی می کنند. (جوادی آملی، ۸۹، ص ۷۷) سر این مطلب آن است که انسان یک موجود تکوینی است و رابطه وی با جهان و مبدأ پیدایش آن، پیوندی تکوینی است. احکام و دستورات تدوین شده برای انسان نیز به پشتوانه همین پیوند تکوینی تنظیم شده است. به دیگر بیان روح آن اعتباریاتی قانونی همین حقایق عینی است. از اینجا می توان دریافت که احکام دینی به منزله اعتبار اجتماعی و قرارداد عادی میان پیامبران و امت ها نیستند که بعداً قابل نسخ باشند. بر اساس توحید که زیر بنای همه حقوق به شمار می آید تکیه کردن به هر کس و هر چیز جز خدا، از جمله قانونی که انسان ها بر آن توافق کنند و برابر با وحی الهی نباشد، انحراف از توحید است. (جوادی آملی، ۸۹، ص ۷۸)



بخش چهارم: تفضیل یا تبعیض در بهره مندی از حقوق

بر اساس اینکه کرامت حکم است نه حق (جعفری، ۹۰، ص ۲۳۸) و اینکه احکام و دستورات با پشتوانه تکوینی وضع گردیده است و روح این احکام حقوق عینی است و قابل سلب نمی باشد؛ معیار های بهره مندی از حقوق نیز براساس حقایق عینی است. قرآن انسان ها را طبق کرامت اولیه بهره مند از حقوق میداند؛ اما در تقسیم وظایف و تفضیل حقوق، کرامت ارزشی را بر اساس معیار تقوا مورد پذیرش قرار داده است.

بند اول: جایگاه کرامت در قانون اساسی

با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نقش کرامت در اولویت دادن به بسیاری از امور که عاملی برای تفضیل هستند نه تبعیض خواهیم پرداخت. در اصل دوم قانون اساسی، تأکید شده است که: (جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند). منظور از کرامت و ارزش والای انسان همان کرامت بالفعلی است که سبب تفضیل می گردد و عامل تفضیل را مسئولیت در برابر خداوند که همانا تقوا پیشه کردن است عنوان کرده است که به آیه ۳۶ سوره اسراء تعریض دارد. در اصل سوم، برای نیل به این کرامت و ارزش والای انسان، ایجاد محیط مساعد مورد توجه واقع شده است. (... ایجاد محیط مساعدی برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی). در اصول دیگری از قانون اساسی شاهد ایجاد شرایط مناسب و رفع موانع برای توجه به کرامت اولیه و تحقق کرامت ارزشی هستیم:

در بند اول اصل بیست و یکم با عنایت به نقش خطیر مادری ایجاد زمینه های مساعد برای شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی جزو وظایف دولت جمهوری اسلامی برشمرده شده است.. در بند سوم اصل چهل و سوم قانون گذار با لفظ خود سازی معنوی همگان را برای نیل به قرب الهی که سعادت ابدی است و جز از طریق دستیابی به کرامت ارزشی حاصل نمیشود مورد تشویق قرار داده است: (اقتصاد جمهوری اسلامی بر اساس ضوابط زیر استوار میشود.....۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان

باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی فرصت و توان کافی برای خود سازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار ردا داشته باشد.) قانون اساسی، علاوه بر زمینه سازی رشد و تعالی کرامت و ارزش های والای انسانی، تضمیناتی را نیز برای حفظ آن در نظر گرفته و در اصول مختلفی آن را وضع نموده است. از جمله این اصول، اصل هشتم است که وظیفه همه افراد را برای یاری رساندن یکدیگر در تحقق ارزشهای انسانی بایان اصل امر به معروف و نهی از منکر تضمین نموده است: (در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت...) در اصل ششم اداره امور کشور را با اتکا به آرای عمومی میسور دانسته است: (در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود...) و در اصل سی ام، دولت موظف به آموزش و پرورش رایگان شده است.

فصل سوم قانون اساسی، به صورت مبسوط کرامت انسانی را شرح داده و با وضع قانون در صدد حفظ آن برآمده است. در اصل نوزدهم قانون اساسی آمده است: (مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این ها سبب امتیاز نخواهد شد) و در اصل بیستم قانونگذار چنین نگاه داشته است که: (همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.) توجه به کرامت انسانی در قالب بهره مندی از حقوق متجلی گشته، در خصوص غیر مسلمانان نیز از سوی قانون گذار مورد توجه قرار گرفته و بر بهره مندی افراد غیر مسلمان از حقوق انسانی، حقوق احوال شخصیه و مذهبی و حقوق قضایی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بطور تساوی تاکید شده است که در اصل دوازدهم و سیزدهم این حقیقت را آشکارا بیان میدارد. بر اساس آیه ۸ سوره ممتحنه: (لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم م دیارکم ان تبروهم و تقسطو الیهم ان الله یحب المقسطین) و نامه امیر المؤمنین به مالک اشتر آمده است (و اشعر قلبک الرحمة للریة، و المحبة لهم، و اللطف بهم، و لا تکنن علیهم سبعا ضاریا تختنم اکلهم، فانهم صینفان، إما اخ



لك في الدين، أو يطير لك في الخلق مالكا، رحمت و محبت و لطف بر مردم جامعه را به قلبت بفهمان و برای آنان درنده ای خونخوار مباش که خوردن آنان را غنیمت بشماری، زیرا مردم بر دو صنفند: یا برادر دینی تو هستند یا در خلقت با تو برابرند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ در اصل چهاردهم دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت نمایند. بیان شد که در اندیشه اسلامی، کرامت ارزشی بر اساس معیار تقوا در تقسیم وظایف و تفضیل حقوق، نقشی اساسی ایفا می نماید. فلذا با این مبنای فکری شبه و دغدغه ای در خصوص اصول زیر باقی نخواهد ماند. در اصل پنجم، رهبری جمهوری اسلامی ایران بر عهده فقیهی است که با مبانی اسلامی آشنایی داشته باشد و شرایط مطروحه در اصل صد و نهم برای رهبر در قانون اساسی بر تفضیل افراد بر حسب کرامت ارزشی تاکید دارد در اصل پنجم و صد و نهم آمده است: (در زمان غیبت حضرت ولی عصر -عج- در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع و مدیر و مدبر است...) و (شرایط و صفات رهبر: ۱- صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه؛ ۲- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛ ۳- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری...) بر اساس کرامت ارزشی در اصل صد و پانزدهم، شرایط ویژه ای برای رئیس جمهور، که بالاترین مقام کشوری را پس از رهبر دارد؛ عنوان شده است: (رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور) طبق کرامت اولیه، مذاهب مختلف مورد تایید قانون اساسی در مجلس شورای اسلامی نماینده دارند اما تفاوت تعداد آنان با اهل تشیع به دلیل تفاوت در کرامت ثانویه است. (اصل شصت و چهارم). در متن قسم نامه نمایندگان مجلس نیز اهمیت کرامت ارزشی به چشم می خورد. (اصل شصت و هفتم)

نتیجه گیری

با عنایت به چند بعدی بودن وجود انسان و مفهوم قرآنی کرامت، کرامت به دو بعد انسانی و الهی اختصاص می یابد. کرامت اولیه که به بعد انسانی مربوط است از طریق شکوفایی عقل از مرحله بالقوه به بالفعل می رسد و آنگاه که با لباس تقوا مزین گردد؛ تبدیل به کرامت عالی و ارزشی انسان می شود. عالی ترین تجلی کرامت ثانویه در ولایت و امامت است که خلیفه اللهی و مسجود ملائکه واقع شدن انسان را سبب گردیده است. پس هرگاه انسان قانون و برنامه مستخلف عنه را اجرا نمود؛ مقام انسانی خویش را حفظ می نماید، در غیر این صورت به مقام دانی و اضل از بهایم سقوط می نماید. برای دست یابی به کرامت ارزشی در قرآن تاکید فراوانی بر رعایت تقوا و پرهیزکاری شده است. حکومت اسلامی که مجری احکام الهی است؛ موظف است زمینه را برای بهره مندی انسان ها از کرامت ارزشی فراهم نماید. تشکیل جمهوری اسلامی ایران که تلاشی برای برقراری حکومت اسلامی است از این قاعده مستثنا نبوده و از سوی قانون گذاران در منشور و متن قانون اساسی به زمینه سازی و ضمانت های اجرایی کرامت اولیه و ثانویه توجه ویژه گردیده است. فلذا اصولی که مخاطب آن همه، هر کس، هر فرد، آحاد ملت، عامه مردم، عموم مردم ایران، افراد ملت، اشخاص، هیچکس، همه مردم و نظایر آنها بیان شده، به کرامت اولیه بدون در نظر گرفتن هرگونه تعلق نژادی، زبانی، قومی، مذهبی و جنسیتی اشاره می نماید و با بیان عباراتی همچون کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا، احیای حقوق مادی و معنوی زنان، ایجاد زمینه برای خود سازی افراد و بیان اصل امر به معروف و نهی از منکر بر کرامت ثانویه تاکید گردیده است. نکته پایانی آن است که کرامت عالی انسانی سبب تفضیل در بهره مندی از حقوق و نه تبعیض در برابر قانون می شود و ما این امر را در اصولی نظیر اصل پنجم، شصت و چهارم، صد و نهم، صد و پانزدهم شاهد هستیم.



منابع و مآخذ

- ۱- قرآن
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- قانون اساسی
- ۴- ایازی، سید محمد علی، کرامت انسان و آزادی در قرآن، مجله بینات، سال چهاردهم، شماره ۵۳
- ۵- لک، بهروز، کرامت انسانی و شهروندی متعهد در دولت کریمه، مجله انتظار، سال هشتم، شماره ۲۵ و ۲۶، تابستان و پاییز ۸۷
- ۶- باقری، محمدحسین، فطرت و کرامت انسانی از منظر قرآن و امام، مجله بینات، سال چهاردهم، شماره ۵۳
- ۷- جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، انتشارات اسراء، چاپ پنجم، تابستان ۹۰.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، انتشارات اسد، چاپ ششم، تابستان ۸۹
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، کرامت در قرآن، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ سوم، ۶۹
- ۱۰- جعفری، محمد تقی، حقوق جهانی بشر، انتشارات موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ پنجم، بهار ۹۰
- ۱۱- حبیب زاده، محمد جعفر، رحیمی نژاد، اسماعیل، کرامت انسان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصل نامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، شماره ۴، زمستان ۸۶
- ۱۲- رحمانی زروندی، محمد، کرامت انسان در قرآن و روایات، فصلنامه پژوهشی علمی کوثر معارف، سال ۶، شماره ۱۳، بهار ۸۹
- ۱۳- رحیمی نژاد، اسماعیل، نگرش اسلامی به کرامت انسانی، معرفت حقوقی، سال اول، شماره ۲، زمستان ۹۰



- ۱۴- عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اقلیت ها، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بهار، ۶۷،
- ۱۵- عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مجد، چاپ اول ۸۷.
- ۱۷- علیدادی سلیمانی، حسن، قرآن و کرامت انسان، مجله تخصصی کلام اسلامی، سال دهم، مسلسل ۳۷
- ۱۸- قاضی زاده، کاظم، سلیمی زارع، مصطفی، کرامت انسان در پرتو قرآن و روایات، مجله بینات، سال چهاردهم، شماره ۵۳
- ۱۹- گرامی، غلامحسین، انسان در اسلام، دفتر نشر معارف، چاپ دوم، پائیز، ۸۴
- ۲۰- گرجی ازندریانی، علی اکبر، مبانی حقوق عمومی، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ دوم، ۸۹،
- ۲۱- مصباح یزدی، محمد تقی، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهش امام خمینی، چاپ اول بهار، ۸۸
- ۲۲- مهرپور، حسین، کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای آن، مجله حقوق عمومی، شماره اول، مرداد ۸۵
- ۲۳- مودب، سید رضا، کرامت انسانی و مبانی قرآن آن از نگاه امام، مجله بینات، سال چهاردهم، شماره ۵۳
- ۲۴- موید نیا، فریبا، توحید و کرامت انسانی از منظر دین اسلام، مجله مکتب اسلام، سال ۴۸، شماره ۱۰
- ۲۵- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی های اساسی، نشر میزان، چاپ اول، پائیز ۸۴،
- ۲۶- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی، ج. ۱، چاپ ششم، پائیز ۸۴، نشر میزان.
- ۲۷- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی، ج. ۲، چاپ هشتم، بهار ۸۳، نشر میزان.



- ۲۸- هدایت نیا گنجی، فرج الله، اندیشه های حقوقی شهید بهشتی، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ دوم، ۸۸
- ۲۹- تألیف کمیسیون حقوق بشر اسلامی (جمعی از نویسندگان)، حقوق بشر در جهان معاصر، ناشر انتشارات آئین احمد (ص)، چاپ اول، پائیز ۸۸

